****

[ادامه بررسی مقصود از جمره 1](#_Toc488933353)

[کلام فقها در حد جمره 2](#_Toc488933354)

[شواهد لغوی 3](#_Toc488933355)

[شواهدی از کلمات فقهاء 4](#_Toc488933356)

**موضوع**: واجبات رمی /اعمال منی /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی مقصود از جمره

بحث در این بود که جمره اسم بناء است، یا اسم مجتمع الحصی که اطراف بناء است؟

عرض شد وضعیت فعلی جمرات به کلی تغییر کرده، در سال های گذشته ستون و حوضچه ای در اطراف آن به قطر سه متر حدودا بود و بحث بود که آیا به ستون باید رمی شود یا حوضچه؟ اما الان در جمرات 26 متر دیوار است و داخل دیوار نیز خالی است که سنگ های طبقه بالا از محل خالی ستون به طبقه منفی 2 جمرات منتقل شود و دیگر حوضچه ای باقی نمانده و در طبقه منفی 2 هم معلوم نیست که سنگ ها بر روی زمین جمع شود، بلکه ممکن است سنگ ها داخل نقاله بیفتد و مستقیما داخل کامیون ها بشود و یساعده الاعتبار، در حالی که باید احراز شود که به مجتمع الحصی رمی می شود.

البته بعد از دیوار محیط به جمرات، زمین شیب دار است و ممکن است کسی به آن جا سنگ بزند و گفته شود این جا محل قبلی جمره است، و لکن دیگر مجتمع الحصی نیست، علاوه بر این که فاصله آن با مرکز جمرات هم زیاد است.

### کلام فقها در حد جمره

اختلاف مذکور از زمان شهید اول مطرح شده که در دروس می گوید: الجمرة اسم لموضع الرمي، و هو البناء أو موضعه ممّا يجتمع من الحصى، و قيل: هي مجتمع الحصى لا السائل منه، و صرّح عليّ بن بابويه بأنّه الأرض.[[1]](#footnote-1)

این عبارت مقداری ابهام دارد و لکن به نظر ما از این عبارت استفاده می شود که ایشان همان ستون را جمره می داند، یک احتمال در کلمه «او موضعه» این است که اگر بناء نبود، سراغ موضع می رویم و احتمال دیگر این است که اگر زیاد سنگ زده شود و بناء پوشانده شود، بر روی سنگ ها سنگ زده شود و بعد فرموده و قیل همی مجتمع الحصی و معلوم می شود ایشان جمره را مجتمع الحصی نمی داند.

و لکن در رسائل صریحا اعلام موضع فرموده: الجمرة اسم لتلك البنية.[[2]](#footnote-2)

در کشف اللثام می گوید: يجب إصابة الجمرة بها فلا يكفي الوقوع دونها، و هي الميل المبني، أو موضعه إن لم يكن من الجمار بمعنى الأحجار الصغار.[[3]](#footnote-3)

در مدارک فرموده: ينبغي القطع باعتبار إصابة البناء مع وجوده، لأنه المعروف الآن من لفظ الجمرة، و لعدم تيقن الخروج من العهدة بدونه، أما مع زواله فالظاهر الاكتفاء بإصابة موضعه.[[4]](#footnote-4)

(البته این نادرست است، بلکه مقتضای قاعده اشتغال این است که هم به ستون و هم به زمین سنگ زده شود.)

در جواهر احتمال داده که هر دو مصداق جمره باشد: يمكن كون المراد بها المحل بأحواله التي منها الارتفاع ببناء أو غيره أو الانخفاض.[[5]](#footnote-5)

یک احتمال در کلام ایشان این است که بناء اگر بود بناء و گرنه موضع آن رمی شود و لازمه اش این است که از باب مقدمه واجب، تجدید بناء لازم باشد و احتمال دیگر این است که جامع، جمره باشد و نیاز به تجدید بناء نباشد، ولی باز از آن استفاده نمی شود که جمره، مجتمع الحصی است.

برخی اعلام نیز در فقه الحج گفته اند متبادر از جمره در روایات و کلمات اصحاب، بناء است و لابد به استصحاب قهقری و اصل عدم نقل تمسک می کند و شاید هم نظرش به این باشد که حج مورد اهتمام مسلمین بوده و اگر تغییری حاصل شده باشد، در تاریخ ثبت می شد و این اماره قطعیه بر این می شود که جمره همین بناء است.

ظاهر کلام محقق خوئی نیز همین است، زیرا فرموده مقصود از جمره، همان صخره ای نیست که در زمان شارع بوده، بلکه اگر جای آن صخره هم چیزی درست کنند، باز هم جمره است و معلوم می شود که ایشان نیز جمره را همان بناء می داند.

اما برخی از معاصرین مصر است که جمره، مجتمع الحصی است به شواهدی از لغت و فقه و تاریخ و روایت.

### شواهد لغوی

در لغت سه معنای مناسب با جمرات ذکر شده، البته معانی دیگری هم دارد، ولی با جمرات تناسبی ندارد، معنای اول، اجتماع است، معنای دوم، سنگ ریزه است و معنای سوم، دور شدن با سرعت است، بنا بر معنای اول، چون مجتمع الحصی است، جمره گفته شده و بنابر معنای سوم، گفته شده وقتی حضرت آدم ابلیس را رمی به سنگ کرده، اجمر، یعنی ابتعد و معنای دوم هم که واضح است.

اکثر اهل لغت، معنای اول را ذکر کرده اند، مثل مصباح المنیر: (الْجَمْرَةُ) و هى مُجتَمَعُ الْحَصَى بِمِنًى فَكُلُّ كُومَةٍ مِنْ الْحَصَى (جَمْرَةٌ) و الجمعُ (جَمَراتٌ)[[6]](#footnote-6)

مجمع البحرین: و" الجمرات" مجتمع الحصى بمنى، فكل كومة من الحصى جمرة، و الجمع جمرات.[[7]](#footnote-7)

لسان العرب: الجَمْرَةُ: اجتماع القبيلة الواحدة على من ناوأَها من سائر القبائل؛ و من هذا قيل لمواضع الجِمَارِ التي ترمى بِمِنًى جَمَراتٌ لأَن كلَّ مَجْمَعِ حَصًى منها جَمْرَةٌ و هي ثلاث جَمَراتٍ.[[8]](#footnote-8)

نهایه ان اثیر : الاسْتِجْمَار: التّمسّح بالجِمَار، و هى الأحجار الصّغار، و منه سمّيت جِمَار الحج؛ للحصى الّتى يرمى بها. و أمّا موضع الجِمَار بمنى فسمّى جَمْرَة لأنها ترمى بالجِمَار و قيل لأنها مجمع الحصى التى يرمى بها، من الجَمْرَةِ و هى اجتماع القبيلة على من ناوأها، و قيل سميّت به من قولهم أَجْمَرَ إذا أَسْرَعَ.[[9]](#footnote-9)

تاج العروس: و مَوْضِعُ الجِمَارِ بمِنًى سُمِّيَ جَمْرَةً؛ لأَنها تُرْمَى بالجِمَار، و قيل: لأَنها مَجْمعُ الحَصَى التي يُرْمَى بها؛ من الجَمْرَة، و هي اجتماعُ القبيلةِ على من ناوأَها.[[10]](#footnote-10)

### شواهدی از کلمات فقهاء

شیخ طوسی: فإن وقعت على مكان أعلى من الجمرة‌ و قد حرجت إليها أجزأه.[[11]](#footnote-11)

حرجت یعنی سرازیر به زمین می شود.

کیدری: و إذا رمى حصاة فوقعت في محمل، أو على ظهر بعير، ثم سقطت على الأرض، أجزأت.[[12]](#footnote-12)

غنیه: إذا رمى حصاة فوقعت في محمل، أو على ظهر بعير، ثم سقطت على الأرض، أجزأت، و إلا فعليه أن يرمي عوضا عنها، كل ذلك بدليل الإجماع المشار إليه.[[13]](#footnote-13)

علامه در منتهی و تذکره و تحریر: لو رمى بحصاة فوقعت على الأرض ثم مرّت على سننها أو أصابت شيئا صلبا كالمحمل و شبهه ثم وقعت في المرمى بعد ذلك.

اگر ستون جمره بود، وقعت فیه گفته نمی شد، بلکه وقعت علیه گفته می شد و معلوم می شود جمره را مجمتع الحصی می داند.

بحر العلوم در تحفة الکرام از ابن جماعة از شافعیه نقل می کند: إنّ الرمى مجتمع الحصى عند بناء الشاخص هناك لا ما سال من الحصى و لا بالنبا الشاخص فانه بنی علامة علی موضع الرمی.[[14]](#footnote-14)

از محب الدین طبری نیز نقل شده که گفته بر روی جمره علم است.

و معلوم می شود خود جمره علم نیست، بلکه بر روی آن علمی قرار گرفته است و زیر علم، جمره است.

ابراهیم پاشا که در عهد سلطان عبد الحمید امیر الحاج بوده در کتاب مرآة الحرمین می گوید: برخی مردم غیر مطلع، در زمان متوکل مکان جمره را تغییر دادند و اسحاق بن سلمة که امیر الحاج بود، دیواری برای تعیین رمی ساخت.

(این نقل ابراهیم پاشا از کتاب اخبار مکی ازرقی گرفته شده ج 1 ص 298 تا ص 303، می گوید در سال 240 خیلی باران آمد و منازل و مساجد زیادی منهدم شد و السیل هدم العقبة المعروفة بالجمرة العقبة و به متوکل نامه نوشتند و او هم اسحاق را فرستاد و جمره عقبه و ستون های آن را محکم کرد و کانت الجمرة زائلة عن موضعها ازالها جهال الناسی برمیهم الحصی.

ابراهیم پاشا و صاحب کتاب گفته اند مقصود این است که تغییر، تغییر معنوی بوده، یعنی جای جمره را اشتباه گرفتند و جای دیگری را رمی کردند، و گرنه ستون بناء است و نمی شود آن را منتقل کرد، اسحاق کاری کرد که مردم همان جمره اصلی را رمی کنند و پشت جمره عقبه دیوار و مسجدی متصل به آن دیوار ساخت تا افراد نتوانند بر خلاف سنت از بالای جمره رمی کنند.

اما به نظر ما انصاف این است که واضح است که اشتباهی در کار نبوده، بلکه بنائی بوده که مردم طوری رمی می­کردند که آن بناء و ستون خراب شد، نه این که بجای این که در نقطه اصلی رمی کنند، در جای دیگری رمی جمره کرده باشند.)

1. [الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 428؛ و ثانيها: إصابة الجمرة بها، ؛ ج‌1، ص : 428](http://lib.eshia.ir/10020/1/428) [↑](#footnote-ref-1)
2. [رسائل الشهيد الأول؛ -- ؛ 246؛ الثالث: إتيان منى ؛ ص : 246](http://lib.eshia.ir/71545/1/246) [↑](#footnote-ref-2)
3. [كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام؛ ج‌6؛ 114؛ الأول: إذا أفاض من المشعر وجب عليه المضي إلى منى ؛ ج‌6، ص : 110](http://lib.eshia.ir/10146/6/114) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام؛ ج‌8؛ 9؛ أما الأول: ؛ ج 8، ص : 7](http://lib.eshia.ir/10149/8/9) [↑](#footnote-ref-4)
5. [جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌19؛ 107؛ الأول رمي الجمار ؛ ج‌19، ص : 101](http://lib.eshia.ir/10088/19/107) [↑](#footnote-ref-5)
6. [المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي؛ ج‌2؛ 108؛ جمر ؛ ج‌2، ص : 108](http://lib.eshia.ir/86587/1/108) [↑](#footnote-ref-6)
7. [مجمع البحرين؛ ج‌3؛ 249؛ (جمر) ؛ ج‌3، ص : 249](http://lib.eshia.ir/27911/3/249) [↑](#footnote-ref-7)
8. [لسان العرب؛ ج‌4؛ 145؛ جمر ؛ ج‌4، ص : 144](http://lib.eshia.ir/20007/4/145) [↑](#footnote-ref-8)
9. [النهاية في غريب الحديث و الأثر؛ ج‌1؛ 292؛ (جمر ؛ ج 1، ص : 292](http://lib.eshia.ir/40680/1/292) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج‌6؛ 208؛ [جمر]: ؛ ج‌6، ص : 208](http://lib.eshia.ir/86657/6/208) [↑](#footnote-ref-10)
11. [المبسوط في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 369؛ فصل: في ذكر نزول منى بعد الإفاضة من المشعر و قضاء المناسك بها ؛ ج‌1، ص : 368](http://lib.eshia.ir/10036/1/369) [↑](#footnote-ref-11)
12. [إصباح الشيعة بمصباح الشريعة؛ -- ؛ 162؛ الفصل الثالث عشر لا يجوز الرمي إلا بالحصى، ؛ ص : 160](http://lib.eshia.ir/26558/1/162) [↑](#footnote-ref-12)
13. [غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع؛ -- ؛ 189؛ الفصل الخامس عشر: في الرمي ؛ ص : 187](http://lib.eshia.ir/13037/1/189) [↑](#footnote-ref-13)
14. [الجمرات في الماضي و الحاضر؛ -- ؛ 17؛ المجموعة الثانية و هم الذين صرحوا بأن الأعمدة المبنية التي في الجمرات هي شواخص أو علامات ؛ ص : 17](http://lib.eshia.ir/27531/1/17) [↑](#footnote-ref-14)